



پس از نقد، اصلاح و تجدید چاپ شده‌اند. هیچ کاری بی‌غلط نیست و نباید مدعی چنین چیزی بود. دیگر اینکه وقتی کسانی وقت می‌گذارند و کتابی را می‌خوانند و در باره‌اش نظر می‌دهند، باید از اینها استقبال کرد. امیدواریم این نوع نگاه گسترش یابد و جریان نقد در جامعه فرهنگی ما جا بیفتد. در این زمینه چندان کار نشده و هدف ما از برگزاری این نشستها همین است. نخستین سخنران این نشست، دکتر احسان اشراقی، استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران، بود که با اشاره به دشوار بودن تصحیح کتاب، در مقایسه با تألیف و ترجمه، گفت: به نظر من، مصححان کتاب، ارزش و احترام خاصی دارند. یک کتاب را یکی نوشته و دیگری می‌آید آن را ترجمه می‌کند یا مطالبی درباره‌اش از گوشه و کنار گردآوری می‌کند. ولی در تصحیح، بایستی دقت کرد، کار یک بزرگواری را خواند و این خواندن تسلط می‌خواهد و تهیه و تغییر و بداعت و آشنایی با فن تصحیح کتاب، از لوازم بسیار مهم در کشور ما و در تمام جهان است. این است که به نظر من مصححان کتاب، ارزش و احترام خاصی دارند. این دو کتاب، هم تاریخ

هفتاد و هفتمین نشست مرکز پژوهشی میراث مکتوب با عنوان «شاه صفی و بدايع الاخبار»، روز دوشنبه ۱۷ خرداد ۸۹ در مرکز پژوهشی میراث مکتوب برگزار شد. سخنرانان این نشست، دکتر احسان اشراقی، دکتر منصور صفت‌گل، دکتر محسن بهرام‌نژاد، و سید سعید میرمحمدصادق بودند. در آغاز این نشست، دکتر اکبر ایرانی، رئیس مرکز، با اشاره به چاپ دو کتاب جدید در مرکز پژوهشی میراث مکتوب، گفت: اولین باری است که ما در واقع در باره دو کتاب یک نشست برگزار می‌کنیم و این به دلیل تناسب موضوعی این دو کتاب است: هر دو در باره دوره صفویه‌اند: یکی ظاهراً اواسط صفویه نوشته شده و دیگری هم در باب حمله افغانان و سقوط صفویه است. ایرانی سپس با اشاره به دیدگاههای انتقادی گفت: قصد از نقد کتاب عیب‌جویی نیست. نکات مثبت و اساسی کار دیده می‌شود و خطاهای مصحح و اشکالات کارش را هم باید گوشزد کرد و موارد اصلاحی را پیشنهاد داد. خیلی از کارهایی که اینجا چاپ کرده‌ایم،



تاریخی چندانی نداشته باشد، من فکر می‌کنم قدری دور از واقعیت باشد. ضمن اینکه معتقد هستم تاریخ شاه صفی یک نوشتار مستقل است در قیاس با آثار دیگری که در ارتباط با دوران تاریخ شاه صفی در همان دوران صفویه نگاشته شده‌اند و از جمله خلاصه‌السیر. وی افزود: هر چند مؤلف بیشتر به لفاظی پرداخته و به قول ادبا، معنا قربانی لفظ شده، اما در لابه‌لای این نوشته‌ها و گفته‌ها، نکاتی هست که می‌تواند در فهم وقایع و حوادث تاریخی این روزگار روشنگر باشد. البته وجه غالب در این نوشتار شرح مسائل سیاسی و نظامی است، اما در کنار آن، به نظر من، خالی از نکات اجتماعی نیست و مصداق‌هایش را من در مقدمه اشاره کرده‌ام. این نکات به نظر من می‌تواند تا درجه‌ای ارزش اجتماعی نیست و مصداق‌هایش را من در مقدمه اشاره کرده‌ام. این نکات به نظر من می‌تواند تا درجه‌ای ارزش و اعتبار تاریخ شاه صفی ابوالمفاخر را برجسته کند.



وی ادامه داد: آشنایی من با تاریخ شاه صفی ابوالمفاخر تقریباً به دوازده سال قبل برمی‌گردد. نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت‌الله مرعشی موجود است که من به واسطه آن نسخه با اثر آشنا شدم: نسخه‌ای بسیار آشفته که هم اوراقش پراکنده بود و هم موربانه بخشهایی از آن را خورده بود. اما احساس کردم که انتشار آن و قرار دادنش در دسترس اهل تحقیق، کمکی به فهم مسائل تاریخی آن روزگار می‌کند. دکتر منصور صفت‌گل، استاد دانشگاه تهران، نیز در

شاه صفی و هم بدایع‌الاخبار، از کتب مهم هستند، برای آنکه هر دو به وقایع بسیار مهمی پرداخته‌اند.

سخنران در ادامه گفت: در اوج قدرت صفویه و در کشور بزرگی که از شاه عباس باقی مانده بود و مرزهای آن را شاه اسماعیل با زحمت و به زور شمشیر تا حوزه رود فرات گسترده و تأمین کرده بود، شاه صفی به تخت نشست. این شخص لیاقت نداشت و او را باید آغازگر یک انحطاط تدریجی در سلسله صفویه بدانیم. بعد از او، شاه عباس دوم که تالی شاه عباس اول بود، زحماتی کشید، اما پس از او صفویه تقریباً به طرف انقراض و انحطاط کامل رفت.

به گفته دکتر اشراقی، آثاری از حکومت صفوی باقی ماند که یکی از آنها به رسمیت شناختن مذهب تشیع اثنی عشری بود و دیگری تأمین مرزهای ما. او در مورد کتاب تاریخ شاه صفی تألیف ابوالمفاخر ابن فضل‌الله گفت: این مولف، مشهور به «سوانح‌نگار» و اهل تفرش است و این کتاب او در حقیقت شامل دو اثر است: یکی کتابی که مربوط است به تحولات ایران از ۱۰۳۸ق (سال مرگ شاه عباس) تا ۱۰۵۲ق (تاریخ مرگ شاه صفی)، یعنی دوره سلطنت شاه صفی. تاریخ زندگی شاه صفی در این کتاب آمده است. دیگری ضمیمه‌ای است و در حقیقت تألیف شخص دیگری به نام محمدحسین حسینی تفرشی. آقای بهرام‌نژاد این دو اثر را تلفیق کرد و کتاب نسبتاً کاملی به وجود آورده‌اند که ما را به حوادث دوران شاه صفی نزدیک می‌کند. در این کتاب با انشایی بسیار منشیانه و در عین حال زیبا، مطالب آمده است، اما حق این بود که مصحح به وقایعی از دوره شاه صفی، مثلاً قتل دودمان شاهی که به دست شاه صفی انجام گرفت و کشته شدن بعضی از رجال دولت، و به مسائل مهم دیگر نیز اشاره می‌کردند. توصیه من به جناب ایشان این است که برای چاپهای بعدی، بعضی از خصوصیات و ویژگیهای زمان شاه صفی را هم به این کتاب بسیار مهم اضافه بفرمایند.

در ادامه نشست، دکتر محسن بهرام‌نژاد، مصحح کتاب تاریخ شاه صفی، در باره این کتاب گفت: این تصور که کتاب تاریخ شاه صفی شاید ارزش و اعتبار

این نشست گفت: واقعیت این است که دوره صفویه، دوره باشکوه کتاب و تولید کتاب در ایران است. شاعران بزرگ و برجسته، ادیبان قدرشناس و گروههای مختلف گویا در پرتو آن شکوفایی و رونق اقتصادی، ثبات و امنیت سیاسی که ایران پیدا کرد، فرصت یافتند تا مدرسه‌های آباد و محفل‌های ادبی پررونق داشته باشند. جامعه و قدرت سیاسی هم از تولید کتاب حمایت کرد و دانشمندان ظاهراً فراغ بالی داشتند برای نوشتن و مذاکره علمی و انتشار دستاوردهای علمیشان در حوزه‌های مختلف.



سخنران سپس گفت: صفویان حدود ۲۵۰ سال مملکت ایران را اداره کردند. این دوره طولانی ثبات اقتصادی و سیاسی و نظامی و رونق زندگی و برخورداری اجتماعی در سطوح نسبتاً بالا، کمک کرد که در حوزه دانش و فرهنگ و ادب، این همه کتابهای گوناگون و متنوع نوشته شود و در همان زمان دستنوشته‌های متعدد از آنها تهیه شود. از بین این انبوه کتابهای عهد صفویان خوشبختانه متون تاریخی هم جایگاه خاصی دارند، چون به دلایل مختلف، تاریخ‌نویسی در این دوره اهمیت زیاد پیدا می‌کند و این باعث شده که امروزه تعداد قابل توجهی از متون دوره صفویه مورد نظر محققان، دانشمندان، مصححان قرار بگیرند. خوشبختانه در مرکز پژوهشی میراث مکتوب جز این دو اثر، چندین متن باارزش دیگر از دوره صفویه هم

چاپ شده و کارنامه صفویه پژوهی میراث مکتوب خوشبختانه هر روز سنگین‌تر می‌شود.

وی در ادامه گفت: به‌راستی چرا تاریخ شاه صفی اهمیت دارد؟ واقعیت این است که دوره پس از شاه عباس اول، دوره بسیار مهمی است، یعنی شاه صفی در واقع در یک دوره‌ای قدرت سیاسی را در ایران به دست می‌گیرد که عصر باشکوه شاه عباس اول را بایستی ادامه دهد. پس متنها و اطلاعات مربوط به دوره شاه صفی از این جهت مهم هستند که نشان می‌دهند آیا وی توانست آن عصر باشکوه را ادامه بدهد یا خیر. آیا شرایط سیاسی و ثبات و امنیت جامعه، همچنان که در دوره شاه عباس اول بود، مانند رونق تجاری و مبادلات بین‌المللی، ادامه پیدا کرد یا واقعیت به گونه‌ای دیگر بود.

در پایان این نشست، سعید میرمحمد صادق، مصحح کتاب بدایع‌الآخبار، در باره این اثر و تصحیح آن توضیحاتی داد و از جمله گفت: این اثر غیر از اینکه یک تاریخ محلی است، یک مستندنگاری هم هست؛ زیرا نویسنده خود شاهد دو واقعه مهم بوده است.

وی سپس گفت: کتاب بدایع‌الآخبار قرار نبود به صورت کتاب چاپ شود. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، گنجینه‌هایی طراحی شده و قرار بود یکی هم به نام گنجینه تاریخ دوره صفوی آماده چاپ شود که شامل رسائلی از کتابخانه مجلس شورای اسلامی باشد. به هر حال، کار را پیش بردیم تا به مرحله چاپ رسید. چون کار تمام شد، دیدیم خیلی ارزشمند است و نه جا دارد در آن مجموعه گنجینه بیاید و نه به صورت مستقل چاپ شود، چون حجم کمی داشت. برای همان مجموعه گنجینه بهارستان من نامه‌هایی از دوره‌های مختلف صفویه پیدا کرده بودم که هنوز به چاپ نرسیده‌اند. به این نتیجه رسیدم که اینها همه به پیوست این اثر بیاید و به صورت یک اثر مستقل به چاپ برسد که خوشبختانه چنین هم شد.

